

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شباهنگ راد

۱۵ نومبر ۲۰۱۱

فقر فزاینده در امریکا

به راستی این چه جامعه‌ای است که دولت‌مردان امریکائی برای میلیون‌ها انسان محروم ساخته‌اند؟ یک ششم از جمعیت این کشور در زیر خط فقراند و یک ششم دیگر آن، فاقد بیمه‌های درمانی‌اند. بیش از پانزده میلیون نفر هم بیکاراند و هزاران کودک در خیابان‌ها در پی لقمه‌ای نان می‌باشند و فحشاء در ثروتمندترین کشور جهان بیداد می‌کند.

این "نظم نوینی" است که سردمداران امریکا در پی آنند و به عبارتی حقیقی‌تر باید گفت که این‌ها رسوبات و نمودارهای مناسبات گنبدیده سرمایه‌داری است که این‌گونه تجلی خود را در سطح جامعه به‌نمایش می‌گذارد. همه‌جا این‌چنین است و همه‌جا سرمایه‌داران بر شتاب استثمار و جنایت‌کاری‌های‌شان افزوده‌اند و بار بحران دائم‌التزاید شان را با تعرض به معیشت کارگران و زحمت‌کشان پاسخ می‌دهند. بناء به آمار و ارقام منتشره از دم و دستگاه‌های امریکائی طی هشت ماه گذشته بیش از نیم میلیون نفر بیکار شده‌اند و در انتظار تخریب زندگانی هر چه بیشتر خود اند. سؤال این است که آیا انسان مستحق چنین زندگی نکبت‌باری است؟ کدام فلسفه و منطقی می‌تواند به خود بقبولاند که هفتصد تن از سرمایه‌داران امریکائی مجازاند تا سرمایه نزدیک به نیمی از جمعیت این کشور – یعنی صد و پنجاه میلیون نفر – را در دستان خود قبضه نمایند؟

آری در چنین مناسبات و جوامعی درآمد پائینی‌ها روز به روز کاهش می‌یابد و در عوض درآمد بالائی‌ها افزوده می‌گردد. حاکمان و ظالمان به یمن زور و سرکوب و سر نیزه و با تحمیل سیاست‌های ارتجاعی‌شان به میلیون‌ها انسان جامعه خودی و دیگر جوامع، سیاست‌های‌شان را به پیش می‌برند و بر سرمایه‌های نجومی خود می‌افزایند. به جای سازندگی و شکوفائی جامعه جنگ به راه می‌اندازند و بر خرابی‌ها و ناامنی‌ها می‌افزایند. در حقیقت تعرض افسار گسیخته جهان سرمایه‌داری و به ویژه دولت‌مردان امریکا به میلیاردها انسان محروم پاسخی است به اوضاع در هم ریخته کنونی.

به بیانی باید گفت که امروزه جهان در مرحله آزمایش و خیمی قرار گرفته است. بحران و رشد تصاعدی بیکاری در سرتاسر دنیا و به تبع آن عدم تقاضای کالاهای تولیدی به دلیل گرانی سرسام‌آور و نداری میلیون‌ها انسان محروم،

موقعیت و گردش سرمایه را به مخاطره انداخته است که این خود حاکمیت قدرت‌های بزرگ جهانی را به خطر می‌اندازد. بدون کمترین تردیدی دلیل این همه نابه سامانی‌ها و از هم پاشیدگی‌ها آشکار است و به اثبات رسیده است که مناسبات و سیاست‌های حاکم بر جهان کنونی بیش از این کارکرد ندارد و نمی‌توان بنیادهای جامعه را با تعرض به سفره ناچیز کارگران و زحمتکشان بنا ساخت؛ نمی‌توان تا ابد با چماق و زور، مطالبات به حق کارگری - توده‌ئی را پس زد و سیاست‌های تخریبی خود را به پیش بُرد. مخالفت‌های علنی و به نبر فراخواندن حاکمان جهانی و به ویژه دولت‌مردان امریکائی را می‌توان به عریان در همهجا دید. حضور هزاران نفر در "وال استریٹ" نیویورک و بستن آن توسط مخالفان سیاست‌های "ریاضت کشی" و دستگیری بیش از هفتصد تن از تظاهرکنندگان توسط ارگان‌های مسلح حافظ سرمایه در همان آغازین تظاهرات، نمایانگر اوضاع وخیمی است که جهان سرمایه‌داری با آن دست به گریبان می‌باشد.

پر واضح است که دلیل چنین امری به شکاف عمیق طبقاتی بر می‌گردد و مردم ناتوان از تهیه پائین‌ترین نیازهای اولیه زندگی‌اند و هزاران جوان فارغ‌التحصیل بیکاراند. مردم مخالف سرازیر شدن سرمایه‌های مملکتی به حلقوم جنگ‌های خانه خراب‌کن و تخریب زندگانی جوامع غیر خودی‌اند و خواهان قطع فوری آن و خروج نیروهای نظامی امریکائی از افغانستان، عراق و دیگر نقاط جهان‌اند. تداوم تظاهرات در نیویورک، واشنگتن، پورتلند، استین، آتلین و لولس آنجلس و دیگر شهرهای امریکا گواه چنین ادعائی است و به اثبات رسیده است که نمی‌توان میلیون‌ها انسان را مرعوب سیاست‌های ضد انسانی و منفعت‌جویانه خود نمود و نظم دلخواه خود را به آنان تحمیل نمود؛ نظمی که میلیارد‌ها انسان محروم در مقابلش به صف شده‌اند و خواهان تغییر آنند؛ نظمی که کمترین همخوانی با منفعت کارگران، زحمتکشان، جوانان، زنان و محرومان ندارد و رسالتش تخریب زندگانی انسان‌هاست.

بنابراین تا زمانی‌که این نظام‌ها بر سر کارند، چشم‌اندازی در بهبودی اوضاع در هم ریخته و وخیم میلیارد‌ها انسان رنج‌دیده جهان و همچنین کارگران و زحمتکشان امریکا نیست و معین است که بانی بیکاری پانزده میلیونی و فقر پنجاه میلیونی و وجود هزاران کودک کار و غیره در امریکا، دولت‌مردان کنونی‌اند و باید به زیر کشیده شوند تا روند تخریب زندگی و نداری انسان‌ها خاتمه یابد و نظامی بر سر کار آید تا از منافع کارگران و زحمتکشان را حفظ و حراست نماید. تنها در پرتو چنین نظام‌ها، یعنی نظام‌های متعلق به میلیون‌ها انسان رنج‌دیده است که جامعه از شر نداری و کودکان کار و بیکاری‌سازی انسان‌ها خلاصی خواهد یافت و سرمایه‌های مملکتی تماماً در خدمت رشد و شکوفائی جامعه قرار خواهد گرفت. این آن جامعه مطلوبی است که میلیارد‌ها انسان محروم خواهان آنند.

اکتبر ۲۰۱۱

آبان [عقرب] ۱۳۸۹